

## رابطهٔ دین و اخلاق زناشویی مسیحی در داستان‌های «سعادت زناشویی، آناکارینا، سونات کرویتسر»<sup>۱</sup>

زهرة نعمتی<sup>۲</sup>

ارسطو میرانی<sup>۳</sup>

مصطفی خسروی<sup>۴</sup>

### چکیده

آثار لئو تولستوی نه تنها از شاهکارهای ادبیات جهان، بلکه آینده‌ای تمام‌نما از تغییرات اجتماعی و فرهنگی زمان خود محسوب می‌شود که در روسیه تزاری رخ داده است. از نظر تولستوی، فقط براساس دین و اخلاق مسیحی می‌توان به سعادت دست یافت. تولستوی در داستان‌های «سعادت زناشویی»، «آناکارینا» و «سونات کرویتسر» این نوع سعادت را به خواننده نشان می‌دهد که در جریان تفکرات، شیوهٔ زندگی و رفتار افراد که براساس احکام مسیحیت است. او با به تصویر کشیدن ارزیابی‌های متناقض از مفهوم ازدواج در آثار بعدی خود، نشان می‌دهد که هدف اصلی یک مسیحی واقعی خدمت به خداست و انگیزهٔ انکار ازدواج را به روش مسیحی تبیین می‌کند. این پژوهش از لحاظ هدف، به بیان فرایند تغییر نگرش تولستوی دربارهٔ آموزه‌های دینی آیین مسیحیت، ازدواج و نمود آن در آثار خود پرداخته است. این مقاله با استناد منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی \_ تحلیلی بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تولستوی در دههٔ ۱۸۸۰ دستخوش انقلابی معنوی شد و دیدگاهش دربارهٔ دین و اخلاق و ازدواج کاملاً تغییر کرد. با توجه به مطالعهٔ آیین مسیحیت و تغییر نگرش او دربارهٔ آموزه‌های مسیح، به او کمک کرد دریابد چه چیزی در اساس ایمان و زندگی نهفته است. در زندگی جدید متحول شد و برنامهٔ مسیح را با قلب و اراده پذیرفت و همهٔ انرژی خود را وقف پیگیری، توجیه و موعظه در آثارش نمود. در «سعادت زناشویی» خانواده ارزش اصلی کار اوست و اکنون در «آناکارینا» کاملاً از ازدواج ناامید شده است. تولستوی افکار خود را در «سونات کرویتسر» مجسم می‌کند و سپس از بینش تدریجی خود نسبت به حقیقت روابط جنسی زن و مرد به انکار ازدواج پرداخته است و در خاتمه، تعصب اخلاقی خاصی را اعلام می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** مسیحیت، لئو تولستوی، سعادت زناشویی، آناکارینا، سونات کرویتسر.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری زهره نعمتی با عنوان رابطه دینداری با معناداری زندگی و منش اخلاقی در آثار لئو تولستوی می‌باشد.

۲- دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی گرایش ادیان و عرفان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.  
nemati\_zohreh@yahoo.com

۳- استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی گرایش ادیان و عرفان، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول).  
arastoomirani@gmail.com

۴- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد کردکوی، دانشگاه پیام نور، ایران.  
zm.khosravi89@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۴/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۶/۷

## (۱) مقدمه

اساس آموزه‌های دینی تولستوی عشق است و قانون اخلاقی در تجربه عشق به خدا در مسیح آشکار می‌شود. یک بینش نمادین از پادشاهی خدا که در آن همه انسان‌ها زنده خواهند شد و یکدیگر را خواهند یافت. اولین قدم برای ایمان، توبه است. (گاچوا، ۲۰۱۱: ۹۲) تولستوی از احساس شدید گناه در زندگی سابقش را با این جملات در «اعتراف» بیان می‌کند: «زمانی ماجرای تأثیرگذار و آموزنده زندگی‌ام را در این ده سال جوانی برایتان تعریف خواهم کرد. نمی‌توانم این سال‌ها را بدون وحشت، انزجار به یاد بیاورم.» (تولستوی، ۱۳۹۳: ۱۹) من در جنگ آدم می‌کشتم، کسانی را به دوئل فرامی‌خواندم تا به قتل‌شان برسانم، در قمار می‌باختم، از دسترنج دهقانان تغذیه می‌کردم آنان را معجزات می‌کردم، دنبال فساد می‌رفتم، دروغ می‌گفتم. (همو ۲۱) تولستوی در «اعتراف» و آثار دیگرش تأکید کرد، دین او به معنا و هدف وجود انسان، اهمیت اخلاقی آن و رابطه با عزیزان و کل جهان می‌پردازد. او معتقد بود که این دین با عقل و دانش مدرن هم‌خوانی دارد، زندگی خوب را در عشق به همه توصیه می‌کند؛ بنابراین دین تولستوی به مجموعه‌ای از عذرخواهی‌های اخلاقی سازمان‌یافته خلاصه می‌شود هسته اصلی آن موعظه اخلاقی مسیح بود. (سوخوف، ۲۰۰۱: ۱۱۷) در بطن همه ادیان الهی، ازدواج و رابطه زناشویی، به‌عنوان یک پیوندی قدسی مورد توجه بوده است؛ به‌طوری که مثلث عشق، ازدواج و خانواده، اساس روابط انسانی و ارزش‌های اخلاقی لازم در جامعه را فراهم می‌کنند. به همین دلیل در تمامی ادیان، ازدواج و رابطه زناشویی به شکل جدی توجه شده است و از یک طرف دین به این رابطه معنای تقدس بخشیده است و از سوی دیگر رواج این بینش، باعث تقویت و تثبیت جایگاه دستورات دینی در آحاد جامعه شده است. در میان ادیان ابراهیمی، دین مسیحیت نیز از این حیث مستثنی نیست؛ عهد جدید، کلیسا، متکلمان و متألهان مسیحی به‌عنوان مهم‌ترین منبع فرهنگ و اندیشه - مسیحی، درباره رابطه زناشویی مطالب فراوان و متنوعی را ذکر کرده‌اند. «تولستوی<sup>۱</sup>» به‌عنوان نویسنده‌ای واقع‌گرا آثارش را بر پایه سه عامل عشق، ازدواج و رابطه زناشویی بنا نموده است و در آثارش، موضوع اخلاق فردی و اجتماعی شخصیت‌ها را، از بعد روانی بسیار ظرافت‌مندانه‌ای مورد بررسی قرار داده است. (یحیی پور، ۱۳۷۹: ۱۹) در رمان جنگ و صلح، با اطمینان، از وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی زناشویی و خانوادگی دفاع می‌کند و در آن انواع

---

1. Tolstoy Leo

مختلف روابط خانوادگی و عشق را کاملاً آشکار کرده است. در سال‌های نگارش رمان «آناکارینا» تحولی در «تولستوی» صورت گرفت که نتیجه آن، دستیابی به یک جهان‌بینی نو که تعلیمات نویسنده نام گرفته بود. به همین دلیل آثار «تولستوی» به دو دوره قبل و بعد از تحول درونی تقسیم شده‌اند. مسائل مربوط به معنای زندگی، مفهوم حیات و هستی انسان، تعیین جایگاه انسان در زندگی، خیر و شر، اخلاق و مذهب از همان ابتدا نظر نویسنده را به خود معطوف داشته‌اند. همه این مسائل در کلیه آثار نویسنده به چشم می‌خورند، اما از سال‌های هفتاد مسائل دین و اخلاق، اصول و موازین اخلاقی و تعیین مفهوم زندگی انسان، آثار نویسنده را به کلی اشباع کرده و آثار بعدی او دارای رنگ و بوی مذهبی، فلسفی و اخلاقی به مراتب بیش‌تری نسبت به آثار قبل از تحول درونی نویسنده‌اند. به‌طوری‌که «تولستوی» معتقد بود فقط بر اساس اخلاق مذهبی<sup>۱</sup> می‌توان به خوشبختی در ازدواج دست یافت. (همان: ۲۵) در بخش اول این مقاله به بررسی اجمالی دیدگاه‌ها و نظرات موجود در تاریخ مسیحیت و همچنین تفکرات و کندوکاوهای نویسنده خواهیم پرداخت و در بخش دوم، بررسی رابطه عشق، زندگی زناشویی و خانوادگی از دیدگاه «تولستوی» (بعد از تحول درونی) و نقد آن مورد توجه قرار خواهد گرفت.

### بیان مسأله

ازدواج و طلاق در دوره کلاسیک به‌عنوان قراردادهای خصوصی و غیررسمی شناخته شده است و تنها با ظهور و نفوذ مسیحیت، دیدگاه‌ها درباره ازدواج تغییر کرد. علاوه بر این، اگر در امپراتوری بیزانس الزام به ازدواج توسط قانون امپراتور لئو در سال ۸۹۳ (م) مطرح شده بود، در اروپای غربی ازدواج‌هایی که بر اساس قوانین عرفی منعقد می‌شد تا زمان شورای ترنت در سال ۱۵۶۳ (م) قانونی تلقی می‌شد. در روسیه با پذیرش مسیحیت، کلیسا مخالف طلاق بود؛ زیرا ازدواج را آیینی مقدس می‌دانستند. متعاقباً، مقامات سکولار شروع به اقداماتی درباره مردان و زنانی کردند که خانواده را ترک و خواستار «فسخ» می‌شدند، در قرون ۱۵ تا ۱۳ (م) نمایندگان روحانیون قبلاً علیه جنایات مشابه مبارزه می‌کردند (مثلاً اگر زن شوهرش را ترک و به دنبال دیگری رود...) اغلب در زندگی خانوادگی و قانونی روسیه باستان، مواردی از «ترک کردن» همسر وجود داشت، در صورت غیبت طولانی شوهر و طبق قانون کلیسا، «زن در صورتی شوهر دیگر را انتخاب می‌کند که مرد به جنگ رفته باشد» را ممنوع می‌کرد

زن باید سه سال منتظر شوهر باشد.) (یارمونوا، ۲۰۱۵: ۱) با توجه به آثار تولستوی که در دوره‌های مختلف خلاقیت او نوشته شده است، ناخواسته می‌توان به رابطه آشکار میان «تصویر خانه» و «اندیشه خانواده» پی برد. «اندیشه خانوادگی» در کار تولستوی مسئله‌ای سنتی است. (زینوویف، ۲۰۱۲: ۴۹)

خانواده در سراسر آثار تولستوی توسعه یافته است؛ مثلاً در «جنگ و صلح»، «آنا کارنینا» و «سونات-کرویتسر»، جایی که سرنوشت شخصیت‌ها در پس‌زمینه روابط خانوادگی ارائه می‌شود. تولستوی در مورد گناه قهرمانانش قضاوت می‌کند، آن‌ها را با زندگی پاداش و با مرگ مجازات می‌کند. «آنا» و همسر پازدنیشف با ازبین بردن خانواده، به ترتیب «آنا» زیر چرخ‌های قطار و همسر پازدنیشف از ضرب چاقو (توسط شوهرش) می‌میرند. «انتقام از آن من است و من جبران خواهم کرد.» (تثنیه ۳۵: ۳۲)

موضوعات سونات کرویتسر محدود به ادامه اندیشه معنای متفاوتی از دواج و خانواده است که هر دو برای تولستوی اهمیت زیادی دارد. مسیحیت برای او دین مرگ و عهد عتیق برای او دین زندگی است. اگر مسیح از ازدواج و خانواده چشم‌پوشی کرد، عهد عتیق آن‌ها را تقدیس و برکت داد. جهان و انسان از جانب خدا آفریده شده و به او تقدیم شده و فی‌نفسه مقدس است؛ پس ازدواج نیز مقدس است، یعنی رابطه زناشویی که خدا ایجاد کرده است. زن و شوهر با ازدواج یکدیگر را تقدیس می‌کنند. خانواده «خانه خدا» است و می‌تواند از طریق تولد فرزندان بر مرگ «غلبه کند.» (مینا، ۲۰۱۲: ۱۲۶)

تولستوی به طرز وحشتناکی از مرگ می‌ترسید؛ اما همین فرایند مرگ، او را مجذوب و به او آرامش داد. مرگ یکی از وسوس‌های زندگی تولستوی و از جنس دیگری بود. فروید که تمام انگیزه‌های انسانی را به آن دو تقلیل داد، با او خیلی سرگرم می‌شد. برخلاف مرگ، رابطه جنسی موضوعی بود که دیدگاه‌ها یا دست‌کم اظهارنظرهای تولستوی در طول زندگی‌اش تغییر کرد. به راحتی می‌توان فهمید که چرا ما از قبل می‌دانیم که برداشت تولستوی درباره هر چیزی، از دین گرفته تا عشق، صرفاً بر اساس تجربه خود او بود. در غیاب چنین چیزی که مبتنی بر ایدئولوژی بود. بدیهی است که او هرگز مرگ را تا آخرین لحظه خود تجربه نکرد؛ بنابراین تصور او از مرگ در سن جوانی تا پیری دستخوش تغییر نشد، ماهیت آن تجربه با افزایش سن تغییر کرد. تولستوی، برخلاف داستایفسکی<sup>۱</sup>، گویا توجه زیادی به این موضوع داشت. این یکی دیگر از جنبه‌های کار او بود که

۱- تولستوی رمان‌ها، داستان‌ها و... را عمدتاً بر اساس وقایع زندگی، افکار و تجربیاتش می‌نوشت؛ اما درباره مرگ این گونه نبود.

## رابطه دین و اخلاق زناشویی... ۱۰۱۱۱۱

تأثیر عمیقی بر ادبیات مدرن و به طور گسترده‌تر، و سواس مدرن دربارهٔ عملکرد درونی روان‌شناسی انسان داشت. (بات، ۲۰۰۹: ۱۲۱) زیرا تولستوی رشته‌های روان - اروتیک<sup>۲</sup> را نه تنها در طرح‌هایش، بلکه در تصویرسازی جهان درونی شخصیت‌هایش نیز درهم می‌بافد. تولستوی به رابطه جنسی اهمیت روان‌شناختی فراگیرتری نسبت به هر نویسندهٔ دیگری در آن زمان داشت که فروید را از بسیاری جهات پیش‌بینی می‌کرد و رابطه برای تولستوی از موعظه اخلاقی او جدا نشدنی بود، همان‌طور که از تفسیر او از احکام کتاب مقدس جدا نشد. او در ابتدا فقط دربارهٔ آن به‌طور کلی صحبت می‌کرد، دست کم خارج از دفتر خاطراتش، انگار می‌ترسید وارد جزئیات شود تا بخش‌هایی از شخصیت او را آشکار کند و ترجیح می‌داد پنهان بماند. سپس دوره شش‌ساله میان عروسی او و انتشار «جنگ و صلح» فرا رسید که طی آن، ازدواج او کاملاً شاد بود. این در همه آثار او که تولستوی در آن زمان نوشته بود، منعکس شده است، از جمله خود رمان، جایی که در پایان همهٔ قهرمانان اصلی بازمانده، ازدواج می‌کنند و تا آخر عمر با خوشی زندگی می‌کنند. (بات، ۲۰۰۹: ۱۲۲) نویسنده در این پژوهش به بررسی رابطهٔ دین، اخلاق زناشویی از دیدگاه «لئو تولستوی» با نگاه به آثار سعادت زناشویی، آناکارینا و سونات کرویتسر و نقد آن توجه قرار خواهد گرفت و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که تغییرات فرهنگ ازدواج و رابطهٔ زناشویی در روسیهٔ قرن نوزده میلادی چگونه است. همچنین دیدگاه‌های تولستوی قبل و بعد از بحران روحی دربارهٔ مسئلهٔ ازدواج و رابطهٔ زناشویی چگونه است؟

### ۱-۲) اهمیت و ضرورت پژوهش

باتوجه به این نکته که تاکنون دربارهٔ رابطهٔ دین و اخلاق زناشویی مسیحی در «سعادت زناشویی»، آناکارینا، سونات کرویتسر» تولستوی موضوعی صورت نگرفته است. تلاش بر این است که مقوله‌های دین و اخلاق زناشویی از منظر مسیحیت و نویسنده بررسی و تحلیل شود.

### ۱-۳) پیشینهٔ پژوهش

بر اساس بررسی انجام‌شده، تاکنون هیچ پژوهشی مستقل دربارهٔ رابطهٔ دین و اخلاق زناشویی مسیحی در «سعادت زناشویی، آناکارینا، سونات کرویتسر» تولستوی پرداخته نشده است و فقط مقالاتی چند جوانبی از زندگی تولستوی را بررسی کرده‌اند:

---

1. Gogol  
2. Psycho-erotic

۱۰۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

یا حسینی موسوی و همکاران؛ (۱۴۰۰) «معنای زندگی در آثار تولستوی و معنادرمانی و ویکتور فرانکل»، در این مقاله با بررسی دیدگاه ویکتور فرانکل بنیان‌گذار مکتب لوگو تراپی (معنادرمانی) و تطبیق آن با چهار رمان تولستوی، ویژگی‌های شخصیت سالم را بیان کرده‌اند.

نصراصفهانی و فاطمی؛ (۱۴۰۰) «گره افکنی و بحران‌سازی در عناصر روایت رمان آناکارنینا تعلیق و انتظار» رمان آناکارنینا اثر تولستوی، نویسنده نامدار روس، رمانی واقع‌گرا و محصول دورانی است که نوشته‌های تولستوی رنگ و بوی اخلاقی به خود گرفته و از شور و تقابل حالات و شخصیت‌ها در رمان‌هایی چون جنگ و صلح و رستخیز افتاده است.

علی‌زمانی و مهدی‌زنجانیان؛ (۱۳۹۶) «معنای معنا در چهار دوره زندگی تولستوی» در این پژوهش با بررسی تفصیلی آثار و زندگی تولستوی نشان می‌دهند که تولستوی پس از طی سه مرحله معنای زندگی، یعنی معنا به مثابه کمال اخلاقی به عنوان ارزش، معنا به مثابه دستیابی به پول، شهرت و ثروت به مثابه هدف و معنا به مثابه ارزش از نوع کیفیت یا عملی که با حصول آن زندگی ارزش می‌یابد، در مرحله چهارم از زندگی‌اش، به ارزشی بازمی‌گردد که در پرتو ایمان دوباره به خدا به دست آمده است. براهویی و شیخ؛ (۱۳۹۵) «بررسی تأثیر اندیشه‌ها و افکار لئو تولستوی بر میخائیل نعیمه». بین میخائیل نعیمه و تولستوی نزدیکی زیادی وجود دارد، او مسیحی ارتدوکس است و بحران روحی که در کودکی برای هر دو اتفاق افتاده است، این بحران روحی، همان جست‌وجوی حقیقت خویش و حقیقت جهانی است که در آن زندگی کرده است.

فارسیان و درپا؛ (۱۳۹۲) «تأثیر تولستوی در تجلی «عشق» در رمان ژان - کریستف»، بررسی دیدگاه‌های تولستوی که با ارائه مفهوم جدیدی از عشق، دینی جدید بر مبنای آن بنیان نهاد و در این مذهب مفهومی واقعی از ایمان به خدا و اخلاق ارائه و به جهانیان عرضه کرد. گرچه تولستوی خود مدعی است که تنها پس از بحران روحی و اخلاقی وی آثارش منعکس‌کننده عشق حقیقی است، در شاهکارهایی چون جنگ و صلح که پیش از بحران روحی وی نگاشته شده‌اند نیز می‌توان ردپایی از این عشق را مشاهده کرد.

کاستیلو؛ (۲۰۰۷)، «اشتیاق و ازدواج در آناکارنینا» به بررسی مفاهیم شور و عشق و ازدواج می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه اشتیاق افسارگسیخته، گرچه احساسی و احیاکننده است، باعث درد و رنج می‌شود، درحالی‌که ازدواج با ارتباط مؤثر و اشتیاق معقول به رابطه‌ای پایدار منجر می‌شود.

#### ۴-۱) روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی \_ تحلیلی با استفاده از پایگاه داده‌های الهیات و ادبیات داستانی بررسی شده و مقاله‌های منتشر شده با استفاده از کلیدواژه‌هایی مثل دین، مسیحیت، ارتدوکس، معنای زندگی، مرگ، رستگاری و سایر واژه‌های مربوط جمع‌آوری شده است. این بررسی با استفاده از مقالات فارسی و مجلات انگلیسی و روسی‌زبان بوده است. در این بررسی، مقالات و تحقیقات انتخاب شده است که به رابطه دین و اخلاق زناشویی پرداخته‌اند. علاوه بر این، از بخش کتابنامه مقالات مهم نیز استفاده شده است.

#### ۵ (۴) مبانی نظری پژوهش

##### ۱-۵-۱) دیدگاه‌های دینی و اخلاقی تولستوی

مسیر رشد معنوی و اخلاقی تولستوی متناقض و پیچیده و طولانی بود. تولستوی «اعتراف» خود یادآوری می‌کند که من در دامان مسیحیت ارتدوکس تعمید و پرورش یافته‌ام؛ با وجود این، به طور جد به آنچه به او آموزش داده شده بود، اعتقاد نداشتم؛ بلکه با اعتماد به نفس نسبتاً متزلزلی با آن رفتار می‌کرد. (تولستوی، ۱۳۹۳: ۱۳) در آثار تولستوی مضامین خدا، ایمان و مذهب، جایگاه ویژه‌ای دارد. ایمان برای تولستوی معنای زندگی بود؛ بنابراین نمی‌توانست «اشتباه» باشد. تولستوی با بسیاری از آموزه‌های دینی آشنا بود؛ اما هیچ‌یک باعث نشد که او از آن‌ها پیروی کند. تولستوی تلاش کرد ایمان حقیقی را نه تنها برای خودش، بلکه برای همه مردم نیز بیابد. (سینیتسینا، ۲۰۱۰: ۱۱۲) به طور خلاصه می‌توان گفت: اولاً تولستوی سعی کرد دین را با قطع هر چیزی که توضیح آن دشوار است، عقلانی کند. ثانیاً چارچوب بیرونی آن را حذف کند، یعنی دین را اولاً یک نظام اخلاقی معرفی کنند؛ ثالثاً از شر لایه‌ها و اعوجاج خلاص شوید. (سینیتسینا، ۲۰۱۰: ۱۱۴)

##### ۲-۵-۱) اخلاق زناشویی مسیحی

پیدایش و تکامل انسان موضوع مطالعه علمی چون انسان‌شناسی، الهیات، فلسفه اجتماعی، تاریخ و غیره است. در اسطوره‌های کیهانی، در داستان‌های کتاب مقدس، در افسانه‌های انسانی، دوران بشریت با جدایی خدایان مادری و پدری، پیدایش زمین از اقیانوس، بی‌پایان و بی‌زمان و... آغاز می‌شود. با ایجاد زوج: او و او. ارتدوکسی‌ترین هواداران نسخه کتاب مقدس معتقدند خدا هر گونه‌ای را از جمله انسان آفریده است. ایده خالق این بود که انسان‌ها را از دو جنس بیافریند: «و خدا انسان را به صورت

خود آفرید، به صورت خدا او را آفرید؛ نر و ماده آنها را آفرید». (پیدایش، فصل ۱، ۲۷). پس از خلقت انسان، فراخوانی برای نیاز به تولیدمثل انجام شد. به زن و مرد گفته شد: «باور شو و زیاد شوید!» (پیدایش، فصل ۱، ۲۸). بنابراین، طبق کتاب مقدس، خانواده و ازدواج هم‌سن انسانیت است. داستان‌های کتاب مقدس بسیار متناقض هستند. اگر در فصل اول پیدایش درباره منشأ برابر زن و مرد می‌خوانیم، در فصل دوم می‌آموزیم که زن از دنده مرد آفریده شده است. «و خداوند خدا از دنده‌ای که از مرد گرفته بود، زنی آفرید و او را نزد مرد آورد.» (پیدایش، فصل ۲، ۲۲). و در ادامه: «و آن مرد گفت: اینک استخوانی از استخوان‌های من و گوشتی از گوشت من است. او زن نامیده می‌شود، چون از مرد گرفته شده است.» (پیدایش، فصل ۲، ۲۳). خداوند انسان اول را آدم نامید. (پیدایش، فصل ۲، ۲۵). خود آدم این نام را به همسرش داد. «و آدم زن خود را حوا» نامید، زیرا او مادر همه زندگان شد.» (پیدایش، فصل ۳، ۲۰) تعلق به خانواده از نظر هستی‌شناختی مشخص می‌شود، (بوروا، ۲۰۱۰: ۳۹۶) ازدواج مستلزم رابطه معنوی عمیق است؛ زیرا رابطه مثلی میان مرد و زن و مسیح است (افسیان ۲۱: ۵-۳۳) ازدواج مسیحی که به آن ازدواج نیز می‌گویند مراسمی مقدس است که در آن، زن و مرد به‌طور علنی عشق و وفاداری خود را در حضور شاهدان، کشیش یا وزیر و خدا اعلام می‌کنند. تمام کلیساهای مسیحی آن را تحقق فیزیکی و معنوی می‌دانند. مسیحیت تأکید می‌کند که راز ازدواج مقدس یک تعهد مادام‌العمر است. بنابراین آنها دیگر دو نفر نیستند، بلکه یکی هستند. بنابراین، آنچه خدا به هم پیوسته است، هیچ کس از هم جدا نکند.» (متی، ۱۹: ۶).

### ۳-۵-۱) اخلاق زناشویی در عهدعتیق و عهد جدید

مسیحیت<sup>۱</sup> یکی از ادیان الهی و آسمانی است که مدعی اصلاح، تربیت بشر و هدایت انسان به سمت کمال و تعالی است و «ازدواج<sup>۲</sup>» نیز یکی از عوامل و شاید برجسته‌ترین و مؤثرترین عامل در رهسپاری انسان به سوی کمال و تعالی است؛ لذا این آیین آسمانی باید در این مورد سخن و پیامی برای رهروان خود داشته باشد تا از رهگذر ازدواج صحیح و مناسب، مسیر ترقی و کمال را به روی پیروان خود بگشاید؛ چراکه نمی‌توان دین و مسلکی را یافت که در مورد مؤثرترین عامل سعادت و کمال آدمی، حرف و سخنی نداشته باشد. مسیحیت غربی از همان آغاز در زمینه ازدواج و رابطه زناشویی راه خود

---

1. Christianity  
2. Marriage



## رابطه دین و اخلاق زناشویی مکی... ۱۰۵۱۱۱

را از عهد عتیق و سنت یهودی جدا کرد و برخلاف آن عمل نمود. در عهد عتیق هیچ نگاه منفی‌ای نسبت به ازدواج مطرح نشده و حتی چند همسری نیز پذیرفته شده است؛ سنت مسیحی اغلب مجرد را بر تأهل ترجیح می‌دهد و تک همسری را تنها مدل مقبول ازدواج می‌داند. (میرانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲) مبنای - نظری کتاب مقدس در مورد ازدواج و خانواده در کنار شیوه اکتشافی - تاریخی استدلال، از نظمی تکوینی برخوردار است. (جونز و کاستنبرگ، ۲۰۰۴: ۳۱) چند اصل بر آمده از آفرینش بشر نقش مهمی در ساختن زندگی خانوادگی بر اساس یک معنای کتاب مقدس دارد. روایت موجود در سفر پیدایش (3-1) رامی‌توان نمونه اصلی ازدواج و نیز پایه دیگر اشکال ازدواج بر شمرده که در کتاب مقدس آمده است. بررسی اکتشافی - تاریخی مطالب کتاب مقدس در مورد ازدواج، نشان می‌دهد نظم تکوینی باید آزمون نهایی این گونه روابط باشد. عیسی و حواریون، ماهیت ازدواج و مسئولیت‌های زن و شوهر را به این نظم تکوینی برگردانده‌اند. (جونز و کاستنبرگ، ۲۰۰۴: ۳۱) کلیساهای کاتولیک و ارتدوکس، ازدواج را به عنوان یکی از شعائر دینی<sup>۱</sup> پذیرا شده‌اند. (مولند، ۱۳۸۱: صص ۵۷ و ۱۰۲) ازدواج مقدس از آداب رسمی آیین پروتستان نیست؛ اما در آن رسمی دینی ولی غیر مقدس وجود دارد. (بوش و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۹۷) در حالی که کلیسای کاتولیک از ازدواج به عنوان پیمانی که موجب به هم رسیدن دو همسر یاد می‌کند و به دنبال آن پیوندی جسمی میان آن دو حاصل می‌شود، کلیسای ارتدوکس<sup>۲</sup> از آن به عنوان یکی از خدمات کلیسا یاد می‌کند. (مولند، ۱۳۸۱: ۶۱). عیسی به عنوان یک - ربی یهودی متعهد، خود و پیروانش را ملزم به رعایت قوانین دین یهود می‌دانست. در حالی که با توصیه - های اخلاقی، بر بعد اخلاقی قوانین و شریعت تاکید داشت. (رحیمی ثابت و مفتاح، ۱۳۹۷: ۱۰۸) گویا، عیسی طرفدار فسخ ناپذیری ازدواج نبوده است. (همان: ۹۶) با این همه، هر چند که مسیح بنیان‌گذار و شخصیت کانونی مسیحیت است، اما اخلاق جنسی مسیحی را باید بیش تر ملهم از آموزهای پولس دانست. (میرانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴) پولس با تاکید بر محبت به مسیح، احکام شریعت را در مسیحیت کم - رنگ کرد و در تبیین پیوند مسیح و کلیسا، از استعاره پیوند زن و مرد در ازدواج استفاده کرد (افسیان ۵:۳۳) تا اندکی بارالهیاتی به آن داده باشد. البته توصیه او به مجرد بود و ازدواج، صرفاً راه حلی برای فرو نشانیدن میل جنسی برای مسیحیانی بود که قدرت کافی برای مجرد نداشتند. (اول قرن تیان؛ ۷:۹) به

---

1. Religious ritual

2. Orthodox Church

نظر می‌رسد که تجرّد در نظریه پولس، بهترین روش زندگی و آرزوی وی است و ازدواج در صورتی توصیه می‌شود که شخص، خود را در معرض گناه ببیند. در بررسی نامه اول پولس به قرنتیان در انجیل می‌بینیم که پولس، معتقد بوده است که دنیا به زودی به پایان خواهد رسید و ظاهراً توصیه وی به تجرّد، متأثر از این عقیده بوده است: «پس بدانید کسانی که ازدواج می‌کنند، به مشکلات دنیوی دچار خواهند شد و من شما را از آن نهی می‌کنم. (همان، باب هفتم، آیات ۲۹-۳۰) پس از پولس، نگاه منفی آگوستین<sup>۱</sup> به شهوت و آمیزش جنسی موجب شد که او از سوگند وفاداری زوجین در حین ازدواج در کلیسا و ارتباط آن، با پیوند ناگسستنی مسیح و کلیسا و حضور فیض بخش مسیح در مراسم ازدواج، استفاده کند تا در مقابل دیدگاه‌های مخالف، از خوب بودن ازدواج به این شکل و با این تبیین دفاع کند. به این ترتیب، آگوستین برای ازدواج که تائید از این امری طبیعی، بامعنای عرفی و مرسوم بود، معنایی الهیاتی و فراطبیعی تحمیل کرد. (رحیمی ثابت، مفتح، ۱۳۹۷: ۱۰۸) بنابراین از نگاه مسیحیان، ازدواج کردن تنها راهی برای فرار از گناهان جنسی و بی‌عفتی شمرده می‌شود. (اول قرنتیان ۷: ۲) البته هدف از ازدواج، منحصر به این مسأله نیست. آرامش متقابل و داشتن فرزند نیز به عنوان دو هدف دیگر، مورد توجه قرار گرفته است. (توحیدی، ۱۳۹۳)

## ۲- بحث اصلی

تولستوی، نویسنده بزرگ رئالیست قرن نوزده میلادی معرفی شده است. در میان آثار او، آناکارینا جایگاهی مرکزی در به تصویر کشیدن روسیه معاصر دارد. زندگینامه تولستوی، به ما اجازه می‌دهد که رمان را به عنوان یک بازنمایی واقعی از زندگی او در نظر بگیریم. بر این اساس، در رمان، ازدواج‌های مختلفی وجود دارد و خیانت به تصویر کشیده شده در رمان، دیدگاه‌های نویسنده است. (دویگا، ۲۰۱۸: ۹۲۹) مشخص است که مشکل روابط خانوادگی تولستوی را عمیقاً نگران کرد و برای او موضوع تحقیقات شخصی و هنری بود. برخی از معاصران نویسنده در مورد عذاب او در مورد معنای کلمات «عشق» و «شادی» در روابط زناشویی صحبت می‌کردند. عشق به یک زن به عنوان یک جنبه خاص از عشق جهانی برای همه نوع بشر تلقی می‌شود: «آزادی یک زن» به عنوان آزادی به طور کلی و آزادی در روابط شخصی (رهایی عاطفی و تخریب پایه‌های ازدواج سنتی) درک می‌شود. (زالمانی، ۲۰۱۷: ۳۱) در این بخش به بحث دیدگاه‌های تولستوی در مورد دین، اخلاق زناشویی، عشق مسیحی،

## رابطه دین و اخلاق زناشویی... ۱۰۷۱۱۱

خانواده و رابطه زناشویی با استفاده از روابط بین قهرمانان در «سعادت زناشویی»، «آناکارینا» و «سونات کرویتسر» و بررسی ایده‌ها و نگرش تولستوی نسبت به کلیسا و مسیحیت ارتدوکس و آشکار کردن چگونگی روند طلاق از دیدگاه مسیحیت ارتدوکس و تولستوی به آن است.

### ۱-۲ ازدواج در آثار تولستوی

از دیدگاه تولستوی ارزش‌های خانوادگی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است و این مضمون به‌طور مداوم در کارهای او ردیابی می‌شود. الگوی خانواده در قالب هنری در «سعادت زناشویی» بازآفرینی شده است. (توکارف، ۲۰۱۹: ۱۴۵) - یک زن - در برابر یک شوهر - این حکم الهی است. چنین فرضیتوسط کلیسای ارتدکس روسیه کاشته شد. این باعث بی‌اعتمادی هر دو جنس به هم شد؛ بنابراین ازدواج‌ها نه برای عشق، بلکه به خواست والدین انجام میشد. مانند بسیاری از کشورها در طول قرن نوزده میلادی، ازدواج میان اشراف روس به‌ندرت با تمایلات عاشقانه انگیزه داشتند. بلکه این بود تا حد زیادی تابعی از تلاش برای دستیابی یا حفظ موقعیت اجتماعی، قدرت و پول است. در چنین موقعیت‌هایی، به‌راحتی می‌توان فهمید که چرا ناراضی‌های زناشویی و روابط خارج از ازدواج اغلب در رمان‌های آن روز یا به‌عنوان کانون اصلی به تصویر کشیده می‌شد (مانند آناکارینای تولستوی). (زالمانی، ۲۰۱۷: ۷). در وهله اول در عقد ازدواج، احساسات و حتی علائق عروس و داماد مطرح نبوده، بلکه منافع دو خانواده مهم بود. چنین رویکردی به ازدواج برای اشراف، از فقرا تا افراد صاحب‌عنوان و امپراتوری معمول بود. (میرونوف، ۲۰۰۳: ۲۵۹) و ازدواج «آنا» بر اساس همان قوانین منعقد شد، همان‌طور که از سخنان برادرش، استپان آرکادیچ<sup>۱</sup> مشخص است: «من از ابتدا شروع می‌کنم که شما بدون عشق و شناخت با مردی ازدواج کردید که بیست سال از شما بزرگ‌تر است.» در چنین ازدواج‌هایی، حوزه احساسات هیچ نقشی ندارد، دل‌بستگی بین همسران ممکن است به‌مرور زمان به وجود آید یا شوهر برای جبران کمبود محبت به دنبال روابط خارج از خانه باشد. در هر صورت، انتظار خوشبختی در چنین پیوندی بسیار کم و فریب‌دادن آن دشوار است. (زالمانی، ۲۰۱۷: ۵۸) «سعادت زناشویی» که با رمانی از نوع تورگینف<sup>۲</sup>، عاشقانه آغاز می‌شود و ناگهان در بخش دوم تغییر می‌کند. (زالمانی، ۲۰۱۷: ۲۸) تولستوی توجه انتقادی خود را به این فرض معطوف می‌کند

---

1. Stefan Arkadyevich  
2. Turgenev

که اشتیاق عاشقانه اولین گام برای عشق زناشویی و زندگی خانوادگی است. (گوستافسون، ۱۹۸۶: ۱۱۰) دیدگاه داستان، نگاه تولستوی و شباهت زیادی به رابطه او با والریا آرسنیوا<sup>۱</sup> در «سعادت زناشویی» دارد، علی رغم نگرش پدرانانه حامی خود، «سرگئی» در آموزش همسر جوان موفق است تا بالاخره معنای عشق پایدار و خوشبختی واقعی را که از زندگی برای دیگران به دست می آید، درک کند (یوحنا ۱۳: ۱۵) درک کند. در زندگی واقعی، روابط تولستوی با زنان، مشکلاتی را برای او به همراه داشت که نمی توانست حل کند و رابطه ناموفق او با والریا آرسنیوا، رابطه زناکارانه با زن دهقان «آکسینیا بازیکینا»<sup>۲</sup> که پسری به نام «تیموفی»<sup>۳</sup> به دنیا آورد (با ازدواجش با سوفیا آندریونا بهرس<sup>۴</sup> در سال ۱۸۶۲) دروغ ایدئالیسم را که در «سعادت زناشویی» بیان کرد. (میلر، ۲۰۰۵: ۴۹)

تولستوی در آستانه ازدواج، به صداقت کامل بین همسران معتقد بود، درحالی که این دیدگاه اشتباه است. تولستوی سوفیا همسرش را وادار کرد تا دفتر خاطراتی را که در آن معاشرت با رعیت‌ها، کولی‌ها و فاحشه‌ها و همچنین هوس‌های همجنس‌گرایانه‌اش را با جزئیات توصیف می کرد را بخواند. «سوفیا» از اعترافات شوهر آینده خود شوکه شد، به ویژه «آکسینیا» به زندگی در املاک هم‌چنان ادامه داد. سوفیا از تجربه به دست آمده شوکه شد؛ اما تولستوی تصمیم می گیرد فقط صادقانه عمل کند. (بات، ۲۰۰۹: ۱۸) در «سعادت زناشویی» عامل فرار «ماشا»<sup>۵</sup>؛ به جامعه و روی آوردن به زندگی سکولار فقط نیمی از اندازه ای است که فقط فاصله بین همسران را افزایش می دهد. با بازدید از جامعه بالا، دل او توسط یک خارجی جذاب برده می شود و یک جاذبه قوی تقریباً او را به خیانت می کشاند، اما از عواقب چنین اقدامی ترسیده و سرانجام تصمیم می گیرد زندگی سکولار را رها و خود را وقف زندگی زناشویی کند. (زالمبانی، ۲۰۱۷: ۲۸) تولستوی فرزندان را شرط اصلی سعادت خانواده می داند که دلیل اصلی عشق به همسر هستند، نویسنده معنای زندگی انسان را در خانواده می بیند. (توکارف، ۲۰۱۹: ۱۴۵) ازدواج و خانواده برای تولستوی اولیّه شرط اصلی خوشبختی است. عشق به همسر به عنوان احساس احترام به پدر، مادر و فرزندانشان درک می شود. این افکار را به شکل

- 
1. Valeria Arseneva
  2. Aksinya Bazikina
  3. Timofey
  4. Sofia Andriona Bahrs
  5. Masha

## رابطه دین و اخلاق زناشویی کیچی... ۱۰۹۱۱۱

هنری در رمان‌های « جنگ و صلح »، « آنا کارنینا » تجسم می‌بخشد. کودکان پایه و اساس روابط، در ازدواج هستند. ازدواج به‌طور قابل توجهی تغییر می‌کند. این اولاً به دلیل تغییر نگرش تولستوی به کلیسا و مسیحیت (به گفته وی) ثانیاً در نتیجه این دیدگاه‌ها، انکار کامل مالکیت خصوصی توسط نویسنده، ثالثاً بر این اساس، پیچیدگی روابط با همسر و فرزندانش در اواخر عمرش، تولستوی در دفتر خاطراتش می‌نویسد: «امروز با یادآوری ازدواجم فکر کردم که این چیزی کشنده است. (توکارف، ۲۰۱۹: ۱۴۶)

سعادت زناشویی که تولستوی به تصویر می‌کشد شامل هیچ رفاقت معنوی نمی‌شد- او هیچ‌گاه چنین رابطه‌ای را با یک زن تجربه نکرده است؛ بنابراین نه می‌توانست تصور کند و نه باور می‌کرد که چنین چیزی وجود دارد. تولستوی مطمئن بود که « همه خانواده‌های خوشبخت شبیه هم هستند. » منظورش این بود که همه زوج‌های خوشبخت، مانند او و سوفیا، در مراحل اولیه ازدواج بودند: مرد به هر شغل جدی رسیدگی می‌کند، زن مراقب مرد است. در حالی که او در این کار است، بچه‌هایش را به دنیا بیاورد. در « جنگ و صلح » حتی ماریا بولکونسکی<sup>۱</sup> در نهایت صرفاً به‌عنوان زن بارور و کاملاً مطیع شوهرش نشان داده شد که از لحاظ فکری و فرهنگی و معنوی در سطح پایین‌تری قرار داشت. با این- حال، خیلی زود بعد از آن، ازدواج خود تولستوی شروع به تیره شدن کرد؛ در نتیجه، اکثر ازدواج‌های رمان ناخوشایند هستند، تنها ازدواج لوین و کیتی شبیه « سعادت زناشویی » است. تاحدودی طرح‌واره- ای است که در پایان جنگ و صلح به تصویر کشیده شده است. دلهره‌های تولستوی برای سعادت زناشویی بسیار کم احساس می‌شود که بین انتشار آنا کارنینا<sup>۲</sup> و سوناتا کرویتسر<sup>۳</sup> بین ۱۸۷۸ تا ۱۸۸۹ زمانی بود که ازدواج تولستوی به سردی گرایید و این به‌طور مستقیم در اثر اخیراش منعکس شده است. شخصیت اصلی آن، بلندگوی تولستوی، یک زن‌ستیز سادیست و به احتمال زیاد هم جنس‌گرای نهفته، موعظه‌ای پر شور از توتالیسم جنسی<sup>۴</sup> را موعظه می‌کند. بنابراین، تکامل اظهارات تولستوی درباره رابطه جنسی صادقانه و تجربه او را منعکس می‌کرد. چیزی که هرگز تغییر نکرد، دیدگاه نظری او که رابطه جنسی به‌طور کلی، حتی زمانی که باید در ازدواج مجاز باشد، چیزی کثیف و غیراخلاقی -

- 
1. Maria Bolkonsky
  2. Anna Karenina
  3. Kreutzer Sonata
  4. Sexual totalism

است. با دانستن اینکه چگونه تجربه شخصی او همه چیز را هدایت می‌کند، باید باور داشت که این صفت‌ها در زندگی جنسی خود او نیز به کار می‌روند. (بات، ۲۰۰۹: ۱۲۳)

زندگی آن‌ا کارنینا بر اساس مادی‌گرایی و ارزش‌های اجتماعی نادرست بود. اگرچه او حقیقت را می‌دانست، هوس رضایت جامعه را داشت که تنها در یک ازدواج بدون عشق و براساس فریب می‌توانست به دست آورد. (میلر، ۲۰۰۵: ۷۵). این رمان اساساً دربارهٔ خانواده هاست. لوین<sup>۱</sup>، نمایندهٔ تولستوی، از سنین پایین، به عنوان یتیم نشان داده می‌شود؛ اما برادرانش تأثیری پایدار بر او دارند. دنیای ورونسکی<sup>۲</sup> تحت تسلط حضور مادرش است، یک بانو از طبقهٔ بالای جامعه که در طول زندگی خود به عنوان همسر و بیوه، روابط خارج از ازدواج را حفظ کرد. ورونسکی «به سختی پدرش را به یاد می‌آورد و در سپاه کارت<sup>۳</sup> درس خوانده بود»؛ این عوامل در تکامل شخصیت آن‌ها نقش دارند. رابطه آن‌ا با پسرش سربوژا<sup>۴</sup>، عشق خالص و محبت است. (ویجایا، ۲۰۲۰: ۸۰) این رمان چندین نوع مدل ازدواج را توصیف می‌کند؛ مثلاً سه زوج: دالی<sup>۵</sup> و اوبلونسکی<sup>۶</sup>، کیتی<sup>۷</sup> و لوین، آن‌ا و کارنین. تفاوت ظاهری بین جفت اول و دوم نباید گمراه‌کننده باشد: اگر خانوادهٔ دالی و اوبلونسکی در عمل تجسم تحت‌اللفظی اتحادی از نوع قراردادی باشد، خانوادهٔ کیتی و لوین تنها نسخهٔ مطلوب‌تری از این نوع هستند. کاملاً شیوه زندگی و تفکر لوین را تعریف می‌کند و کیتی منفعلانه با آن سازگار می‌شود. رابطه آن‌ا و کارنین به عنوان نقطهٔ عطف پایانی این ازدواج و خط‌کشی بر تاریخ وجود آن می‌کشد که در هر یک از این موارد، ما با محیط خانوادگی پدرسالارانه سروکار داریم، تحت سلطهٔ پدر است. در مقیاس کوچک‌تری، طرح قدرت دولتی (تزار- اشراف - دهقانان) را بازتولید می‌کند. (زالمانی، ۲۰۱۷: ۶۰) در ظاهر اولیه، آن‌ا زن متأهلی است با پسر، برادر، دوستان و جایگاه بالایی در جامعه است. (ویجایا، ۲۰۲۰: ۸۰) مأموریت و رابطهٔ عاشقانه آن‌ا در مسکو، سفری برای کشف است. وقتی به خانه برمی‌گردد، گوش‌های کارنین ناگهان بیش از حد بزرگ می‌شود و پسرش با تصویر ایده‌آل او

---

1. Levin  
2. Vronsky

۳- سپاه کادت (Cadet Corps) نوعی مدرسه نظامی پسران بود که فقط پسران اشراف یا اعیان را می‌پذیرفتند.

4. Seryozha  
5. Dolly  
6. Oblonsky  
7. Kitty

## رابطه دین و اخلاق زناشویی میگی... ۱۱۱۱۱

مطابقت ندارد. (گوستافسون، ۱۹۸۶: ۱۲۱) رشته پیوند بین آنآ و لوین، استیواست که نمادی از «خانواده مرگبار» است. رمان با زناکاری او آغاز می شود و نشان دهنده انسان مدرن است. (ویجایا، ۲۰۲۰: ۸۰) در آنآ کارنینا، کارنین بسیار رسمی و وظیفه شناس است. نگرش خشک و تحلیلی، زندگی شخصی و حرفه ای او را مشخص می کند. او یتیمی بود که با کمبود محبت والدین بزرگ و این مسئله در شخصیت و رابطه اش با زن و پسرش منعکس شد. به نظر می رسد او این کمبود محبت را با پیشرفت در مقام و منزلت حرفه ای خود ساخته بودن، خلأ را پر می کند. (همو، ۸۱) کارنین فضای کمی برای اشتیاق باقی می گذارد و باعث می شود آنآ هیجان را در جای دیگری جستجو کند. هنگامی که ورونسکی شروع به نشان دادن محبت به او می کند، آنآ سرشار از شور و نشاط می شود و احساس سرزندگی می کند. (کاستیلو، ۲۰۰۷: ۲) کارنین همیشه در رابطه زناشویی سرد و درمواقی آماده سازش برای خوشبختی است. او به آنآ این شانس را می دهد که با ورونسکی رابطه داشته باشد، به شرط اینکه از جامعه مخفی بماند. (ویجایا، ۲۰۲۰: ۸۳)

رابطه و عشق آنآ و ورونسکی به یکدیگر سطحی و ربطی به نگرانی واقعی برای یکدیگر ندارد. (کاستیلو، ۲۰۰۷: ۳) آنآ بیش از هر چیز، خودشیفته ای است، برای اینکه احساس سرزندگی و با اهمیت بودن کند، آرزوی زندگی پر هیجان را دارد. همان طور که مورسون مشاهده می کند، آنآ آگاهانه خود را در موقعیتی که می داند، شکست خواهد خورد تا زندگی خود را با هیجان و احساسات شدید پر کند. (کاستیلو، ۲۰۰۷: ۴) جامعه چه از روی محافظه کاری، چه ریاکاری یا هردو، باید عاشق واقعی را مورد آزار و اذیت قرار دهد. آنآ را فردی استثنایی تصویری کنند و رمان را با تولستوی دیگری، یعنی جنایت و مکافات، پیوند می دهد. قهرمان آن رمان، راسکولنیکف<sup>۱</sup> مردم را به افراد خارق العاده مانند ناپلئون<sup>۲</sup> یا لیکورگوس<sup>۳</sup> عادی و کسانی که قانون اخلاقی در مورد آنها اعمال نمی شود تقسیم می کند. (مورسون، ۲۰۰۷: ۶۴) در حوزه تشکیلات خانواده تحت تأثیرات کلیسایی و سکولار ملاحظات دینی بامیل به تقویت نظم اجتماعی و آسیب رساندن به کسانی که راه طلاق یا جدایی را انتخاب می کنند. دولت با به رسمیت شناختن ازدواج به عنوان یک راز الهی، لغو عقد ازدواج را به کلیسا واگذار می کند که از طریق شورای مقدس تصمیم می گیرد که چه زمانی آن را اعطا کند.

1. Raskolnikov
2. Napoleon
3. Lycurgus

همچنین از آنجایی که طلاق توافقی منافی دین و محلّ اخلاق عمومی است، ماده ۴۶ قانون مدنی روسیه صراحتاً آن را ممنوع کرده است. (زالمبانی، ۲۰۱۷: ۷۰) تنها مرد زندگی آن‌ا بدون ازدواج ورونسکی است. کارنین احساسات آن‌ها را از همان آغاز شناسایی کرد. آن‌ا هرگز به عنوان زنی علاقه مند به زندگی جنسی به تصویر کشیده نمی شود؛ اما او در عوض به دنبال تحقق معنوی از طریق عشق است. (ویجایا، ۲۰۲۰: ۸۲) ورونسکی خواهان ازدواج با اوست؛ اما آن‌ا ترجیح می دهد معشوقه باشد. آن‌ا از گوش دادن به درخواست‌های ازدواج ورونسکی امتناع کرده و ورونسکی از دالی می خواهد تا آن‌ا را متقاعد کند، گویی آواتار<sup>۱</sup> عاشقانه به تجسم خانواده پرزحمت توجه می کند. او فرزندان می خواهد و نگران آن‌هایی است که مانند آنی<sup>۲</sup>، بیانند. واضح است که آن‌ا به او نگفته است که از کنترل بارداری استفاده می کند و به دالی می گوید که دیگر فرزندی وجود نخواهد داشت. تمایل ورونسکی به بچه، بعداً محل اختلاف بین آن‌ها تبدیل می شود. اما آن‌ا چنین تمایلی را نشانه ای از عدم علاقه و دوست داشتن می داند. ازدواج به طور قانونی فرد را مقید می کند؛ اما او عشق رانه از روی وظیفه، بلکه از روی فداکاری کامل می خواهد که فضایی برای او باقی می گذارد. کودکانه تنها جذابیت او را کاهش می دهند، بلکه موقعیت او را به عنوان تنها هدف عشق به خطر می اندازند. عشق آن‌ا به پسرش سرپیژنا منعکس کننده همان نوع تفکر است. (مورسون، ۲۰۰۷: ۶۷)

تولستوی دیدگاه‌های جدیدی را درباره ازدواج در کامل ترین شکل آن درپس گفتارسونات-کرویتسر<sup>۳</sup> بیان می کند که در آن به نفی ازدواج می رسد و دیدگاه خود را به تفصیل استدلال می کند. (توکارف، ۱۹۶۶: ۲۰) در سونات کرویتسر با بحثی درباره موضوع جنسی، عشق و ازدواج آغاز می شود که در میان گروهی از مسافران در کویپه ای در قطار اتفاق می افتد. هریک از این مسافران ایده خود را درباره موضوع ازدواج بیان می کنند. نظرات بیان شده را می توان به دودسته تقسیم کرد: اولی ماهیت لیبرال<sup>۴</sup> است که توسط وکیل و بانوی او نمایندگی می شود؛ دیگری توسط تاجر قدیمی که از

۱- آواتار، حلول خداوند در قالب انسانی و تجسم «عامل الهی» می باشد.

2. Annie

3. Kreutzer Sonata

۴- لیبرالیسم به معنای آزادی خواهی است. آزادی مبتنی بر فردگرایی و تکیه بر عقل بدون در نظر گرفتن وحی از عناصر اصلی تفکر

لیبرالیستی می باشد.



## رابطه دین و اخلاق زناشویی میگی... ۱۱۳۱۱۱

آرمان سنتی روسی است.<sup>۱</sup> مذهبی ازدواج اشاره می‌کند. پیرمرد پاسخ می‌دهد که «انسان‌ها قانونی دارند و باید از احکام خدا اطلاعات کند.» (همو ۲۲۳) و اکنون بحث عشق در جامعه شروع شده است. موضوع زیر نقش قدرت بین زن و شوهر یعنی کنترل از طریق ترس است. منشی می‌گوید اولین چیزی که باید از زن خواسته شود ترس است: «زن باید از شوهرش بترسد!» خانم پاسخ می‌دهد: آه آن زمان گذشته است! و پیرمرد می‌گوید: «آن زمان نمی‌تواند بگذرد! حوا از دنده مرد ساخته شد!». (تولستوی ۱۳۸۷: ۲۲۴)، دیدگاه این پیرمرد، مشابه دیدگاه تولستوی، مبتنی بر درک واقعی پدرسالارانه از روایت خلقت است. «دنده آدم» می‌تواند مفهومی شاعرانه داشته باشد. «زن را نه از پای مرد ساخته‌اند که زیر او باشد و نه از سرش که روی او باشد، بلکه از پهلوی او ساخته شده تا در کنار او باشد، از زیر بازو تا او را محافظت کند. او در کنار قلبش است تا او را دوست داشته باشد.» (آنتونیچی، ۲۰۱۵: ۱۴۵) تولستوی در آن به نفی ازدواج می‌رسد و دیدگاه خود را به تفصیل استدلال می‌کند. تولستوی این رابطه (ازدواج) را که او آن را آمیزش جنسی می‌نامد محکوم می‌کند. نویسنده غیراخلاقی و گناه‌آلود بودن این روابط را با زشتی عواقب آن اثبات می‌کند: آنها کودکان را رها می‌کنند، «یا تمام بار این پیامدها را به دوش زن می‌اندازند.» ارزیابی تولستوی از چنین روابطی بدون قیدوشرط و قاطعانه است. تولستوی توجیه روابط جنسی را با قوانین فیزیولوژی انسانی رد می‌کند. به ویژه از شاعرانه شدن این روابط خشمگین است و زنا به عنوان یک هنجار در همه اقشار جامعه روسیه، هم در جامعه بالا و هم در محیط دهقانی تثبیت شده است. تولستوی معتقد است که جامعه باید نگرش خود را نسبت به روابط جنسی با ابزارهای آموزشی تغییر دهد. به نظر نویسنده محیط فرهنگی در تفسیر ازدواج باید درک آن به عنوان «حالت حیوانی تحقیرآمیز برای شخص» باشد. (توکارف، ۲۰۱۹: ۱۴۶) پازدنیشف مفهوم عشق را انکار و استدلال می‌کند که تنها ازدواج واقعی، ازدواج مسیحی است. خیلی زود مشخص می‌شود، پازدنیشف مردی با وسواس جنسی - (آنتونیچی، ۲۰۱۵: ۱۴۷) که ازدواج را عامل استتار برای پست‌ترین غرایز حیوانی می‌داند و پس از ازدواج (با زنی ناشناس)، واقعیت مفهوم ازدواج به طرز نگران‌کننده‌ای برای او روشن می‌شود. (پتمن، ۲۰۱۳: ۱۲۵) بسیاری از این موارد به صراحت توسط تولستوی در پایان داستان بعدی نشان داده

۱- دموستروی (Domostroi) یک قانون زناشویی از روزهای ایوان مخوف است.

شده است و احساس می‌کند موظف است بنویسد تا بر اخلاقیات داستان تأکید کند. درسی که باید آموخته شود، حول ارزش «پرهیز» می‌چرخد، نه تنها درباره زنان، به طور کلی، حتی درباره همسرش و تجرّد به عنوان ایده آل ارائه می‌شود. اشتباهی نفسانی، حتی نوع قانونی آن که با ازدواج تأیید می‌شود، به حسادت و خیانت منجر می‌شود، که به طور بالقوه به خشونت غیرقابل جبران منجر می‌شود. همان‌طور که پازدنیشف می‌گوید: «از بین همه هوس‌ها، عشق جنسی و جسمانی، قوی‌ترین، بدخیم‌ترین و تسلیم‌ناپذیرترین است.» (پتمن، ۲۰۱۳: ۱۲۱) تولستوی معتقد است که جامعه باید نگرش خود را به روابط جنسی با ابزارهای آموزشی تغییر دهد. تولستوی اشتباه اصلی در آموزش را در توسعه حس نفسانی می‌داند که متعاقباً فرد را به تمایلات حیوانی سوق می‌دهد. (توکارف، ۲۰۱۹: ۱۴۶) رمان تولستوی؛ منعکس‌کننده؛ تغییر نگرش روسی به رابطه جنسی و ازدواج و اجرای موسیقی بتهوون در خصوصی و عمومی است. با در نظر گرفتن تداعی رایج فرم سونات در میان منتقدان موسیقی، با گفت و گوی آن میان ایده‌های زنانه و مردانه، می‌توان استدلال کرد که استفاده تولستوی از این فرم در رمانش، اهمیت مداوم این تفسیر متأثر از جنسیت را برای گفتمان معاصر درباره روابط زن و مرد در دوران مدرن برجسته می‌کند. (اسمیت، ۲۰۱۸: ۱۲۵)

## ۲-۲) تغییر نگرش روابط جنسی و ازدواج در روسیه

ماریا زالامبانی<sup>۱</sup> بر خورد بحث برانگیز جنسیت و ازدواج در سونات کرویتسر تولستوی را برجسته می‌کند و توضیح می‌دهد که این رمان برای نخستین بار در سال ۱۸۹۱ در جلد سیزدهم آثار جمع‌آوری شده تولستوی با خواسته‌های سوفیا تولستوی منتشر شد. (اسمیت، ۲۰۱۸: ۱۱۰) سوفیا همچنین به بحث فزاینده درباره ارزش داستان همسرش برای شکل‌گیری دیدگاه زندگی خانوادگی مدرن و اخلاق جنسی در روسیه کمک کرد؛ همان‌طور که مایکل کاتز<sup>۲</sup> (نویسنده و مترجم آمریکایی) اشاره می‌کند، سوفیا «تقریباً در هر مرحله، به‌طور چشمگیری با تأکيدات و نتیجه‌گیری‌های تولستوی مخالف بود. علاوه بر این، او عمیقاً شرم‌منده بود که خوانندگان این داستان را بازتابی از ازدواج او با نویسنده مشهور تعبیر کرده بودند.» در پاسخ به رمان همسرش، دو داستان نوشت که قرار بود دیدگاه شوهرش درباره زندگی خانوادگی و اخلاق - جنسی را به چالش بکشد: «تقصیر کیست؟»<sup>۳</sup> و «آهنگ بدون

---

1. Maria Zalambani  
2. Michael Katz  
3. Whose Fault?

## رابطه دین و اخلاق زناشویی مکی... ۱۱۵

کلام<sup>۱</sup> او در داستان دومش، «آهنگ بدون کلام»، زنی متأهل (ساشا) را به تصویر می کشد که با پخش موسیقی بر اندوهش به دلیل مرگ مادرش غلبه می کند. (اسمیت، ۲۰۱۸: ۱۱۱) او همچنین عاشق نوازنده و آهنگ ساز می شود که احساسات او متقابل نیست. قهرمان به شدت ناراضی و متعاقباً دیوانه و در بیمارستان بیماری های عصبی زندگی می کند. کاتز داستان سوفیا را به مباحث معاصر درباره زندگی مدرن و نقش های جنسیتی در روسیه پیوند می دهد. او داستان را به دلیل روایت بسیار همدلانه روان شناسی زنان ستایش می کند و ادامه می دهد: جنون در داستان سوفیا تولستوی «آواز بدون کلام» شامل بررسی تاریخی مختصری از نگرش روس ها درباره این بیماری است. هنگامی که قهرمان شروع بیماری روانی را حس می کند، به صومعه ای پناه می برد تا تسلی معنوی بگیرد؛ اما فایده ای نداشت. (اسمیت، ۲۰۱۸: ۱۱۲)

### ۲-۳) عشق مسیحی

کارنین واقعاً هم آنآ و هم ورونسکی را می بخشد و وقتی به ورونسکی می گوید که «من کاملاً می بخشم» کاملاً صمیمانه است. اگر کسی به گونه راست تو سیلی زد، گونه چپ ات را هم به سوی او برگردان و اگر کسی خواست قبای تو را بگیرد، عبایت را هم به او واگذار» (تولستوی، ج ۱، ۱۳۷۸: ۵۴۰) کارنین در ابتدا کاملاً خود را تسلیم احساس جدیداش می کند. دو ماه بعد از بازگشت از مسکو، او متوجه می شود که قلبش را نمی شناخت تا وقتی که جای خود را به آن دل سوزی برای رنج دیگران که همیشه به عنوان نقطه ضعف می پنداشت، نداده بود. نویسنده تضمین می کند کارنین همسرش را هم به خاطر رنج ها و هم به خاطر پشیمانی می بخشد و ترحم می کند و دوباره به پسرش علاقه مند می شود. کارنین به دختر کوچکی که دخترش نیست نیز علاقه خاصی دارد. از آنجایی که کارنین عشق واقعی مسیحی، بخشش دشمنانش، عشق به کودکی که متعلق به خودش نیست. اما از منظر زندگی روزمره انسان، احساسات و اعمال کارنین با همه الگوهای رفتاری دریافتی در تضاد است. (مورسون، ۲۰۰۷: ۱۸۷)

### ۳) طلاق در روسیه

روسیه در قرن نوزده میلادی توسط سلطنت استبدادی که به طور متمرکز تحت نظارت سلطنت مطلقه هماهنگ می شد. اعتقادات مسیحی ارتدکس نیز به طور فزاینده ای آزادی مردم را محدود می کند؛ زیرا

---

1. Song without Words

تأثیر کلیسا بر زندگی دولتی و جامعه روسیه به طور کلی تسلط دارد. اعتقادات مسیحی ارتدکس و قانون دولتی در آن زمان نیز از مفهوم پدرسالاری به عنوان بالاترین مقام حمایت می‌کرد. (مصطفی و همکاران، ۲۰۲۲: ۴۵) طلاق به معنی پایان شرعی و قانونی ازدواج و جداسدن همسران از یکدیگر است و در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته است، از میان می‌رود. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رود و میان زوجین ناسازگاری و تنش وجود دارد. (صفائی و امامی، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

در روسیه درصد ازدواج‌ها در قرن هجده میلادی به صددرصد نزدیک است. ازدواج مجدد پس از بیوه شدن در سراسر جهان مسیحیت رایج بود. اما مرگ و میر تنها عاملی نبود که زندگی زناشویی را از هم بپاشد. بداخلاقی، استخدام نظامی طولانی مدت و ناامنی اقتصادی نیز به جدایی‌های گسترده ازدواج‌ها شد. همسران قبل از اینکه بتوانند ازدواج مجدد را در نظر بگیرند، با ضرورت عینی طلاق روبه‌رو می‌شدند. (جو کوفسکایا، ۲۰۱۷: ۶۶۵) برای طلاق در دادگاه، زن یا زن و شوهر می‌توانستند دادخواست خود را به یک اسقف ارائه کنند. قضاوت‌ها براساس خلاصه‌ای که برای اسلاوهای شرقی به نام کورمچایا<sup>۱</sup> (به معنای رهبر) رایج بود، قضاوت قرار می‌گرفت. مجموعه‌ای پیچیده از قوانین شرعی بود که از نوموکانون‌های<sup>۲</sup> بیزانسی استخراج می‌شد. او دومین نسخه چاپی کورمچایا (۱۶۵۳م) به عنوان نوعی قوانین رسمی عمل کرد. دستورالعمل‌ها و موعظه‌های مکتوب، توسط سلسله مراتب کلیسای روسیه منابع مهم دیگری از قانون شرعی بود که در دوره مسکو استفاده می‌شد و حاوی هنجارهایی در مورد طلاق و ازدواج مجدد بود. (جو کوفسکایا، ۲۰۱۷: ۶۶۸)

### ۱-۳) قوانین طلاق در روسیه

در جنگ و صلح پی‌یر با نامه‌ای به همسرش، هلن تصمیمش را به جدایی قطعی و همیشگی اطلاع می‌دهد. (تولستوی، ج ۱، ۱۳۳۹: ۲۵۰-۲۵۱) با این حال، هیچ‌یک از قهرمانان تولستوی به کمک دولت یا مقامات کلیسا در حل مشکلات خانوادگی خود متوسل نمی‌شوند. (پولیانسکی، ۲۰۱۹: ۷۰) مسیحیت ارتدکس از قدرت معنوی ضعیفی برخوردار بود، درحالی که کلیسا تا دهه ۱۷۶۰ (م) قادر به نظارت مؤثر بر پیروان خود نبود. برعکس همین نوع مطالب برای استدلال این است که اکثر مسیحیان روسیه تا

---

1. Kormchaia  
2. nomocanons

## رابطه دین و اخلاق زناشویی مگی... ۱۱۷۱۱۱

قرن هفدهم عناصر اساسی آیین مسیحیت را تصاحب کرده بودند، در حالی که اداره کلیسا در برابر کلیساها بسیار ناتوان بود. (جو کوفسکایا، ۲۰۱۷: ۶۶۱) جوامع کاتولیک و حتی جوامع پروتستان که عمیقاً تحت تأثیر دکترین جدایی ناپذیری ازدواج کلیسا هستند (علی‌رغم رد اصلاح‌طلبان از وضعیت تند ازدواج) زمینه‌های مناسبی برای مطالعه این شیوه‌ها ایجاد نمی‌کنند، چون وقتی وجود داشتند، مردم تمایل به پنهان کردن آنها داشتند. جهان مسیحیت اسلاوی شرقی موردی متفاوت ارائه می‌دهد. در اینجا قانونی نسبتاً لیبرال ازدواج بیزانسی برای مدت بسیار طولانی در قرن نوزدهم میلادی حاکم بود. (جو کوفسکایا، ۲۰۱۷: ۶۶۲)

### ۲-۳) طلاق در آثار تولستوی

در آثار تولستوی، زندگی خانوادگی قهرمانان همیشه خوب پیش نمی‌رود. استیوا اولونسکی به همسرش و آنا به شوهرش خیانت می‌کند. همسر شکنجه‌شده پازدنیشف به دلیل حسادت بی‌اساس (سونات کرویتسر) و بسیار موجه آنیسیا زن دهقان، (قدرت تاریکی). پی‌یر بزوخوف<sup>۲</sup> به هلن<sup>۳</sup> همسر محبوبش، (جنگ و صلح) پیشنهاد می‌کند که طلاق بگیرد؛ اما هیچ‌کدام از قهرمانان تولستوی برای حل مشکلات خانوادگی شان به کمک مقامات دولتی یا کلیسا متوسل نمی‌شوند. روسیه قبل از انقلاب، فقدان سازوکار قانونی مؤثر برای حل مشکلات زناشویی است. این تنها اثر تولستوی نیست که این مسئله در آن منعکس شده است. در آثار تولستوی، زندگی خانوادگی شخصیت‌ها همیشه خوب پیش نمی‌رود. (پولیانسکی، ۲۰۱۹: ۷۰) امروزه در ادبیات هنوز می‌توان این ادعا را یافت که با پذیرش مسیحیت در روسیه، ازدواج و امور خانواده به صلاحیت کلیسای ارتدکس واگذار شد. کلیسا یک ابزار مؤثر برای حل تعارضات زناشویی طلاق در دست داشت. عدم تعیین صلاحیت روشن بین دولت و کلیسا درباره مسائل ازدواج، قبلاً در آغاز قرن نوزدهم میلادی و دقیقاً در ارتباط با حل تعارضات زناشویی ظاهر شد. بنابراین؛ قهرمان «جنگ و صلح» به هلن پیشنهاد داد به‌طور جداگانه زندگی کند. او می‌توانست از مقامات قضایی درخواست کند تا توافقنامه جدایی را تأیید و در قبال آن همسرش از تقریباً نیمی از دارایی‌ها و درآمد را به او داده است. عمل چنین قراردادهای رسمی تأییدشده در قرن-هجدهم شناخته شده بود و در رمان «جنگ و صلح» نیز وجود داشت. (پولیانسکی، ۲۰۱۹: ۷۱) خیانت

1. Anissa
2. Pierre Bezukhov
3. Helen

همسرش دلیل جدایی آنها بود. ازدواج آنها در آستانه فروپاشی بود. از این گذشته، در حالی که پی‌یر در جبهه بود، او به دنبال هر راهی برای طلاق از شوهر واقعی خود و ازدواج با شخص دیگری است. (تولستوی، ج ۲، ۱۳۸۵: ۴۱۱). «هلن نزد کشیش اعتراف کرد گناهانش بخشوده شد. روز بعد برایش جعبه ای حاوی مانده قدسی آوردند تا واسطه پیوند خود را با خدا تجدید کند. بعد از چند روز، هلن دانست به آیین راستین کاتولیک در آمده است. هلن اصرار داشت اقدامات لازم برای خلاص شدن او از قید شوهرش به عمل آید. (تولستوی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۱۰۲۱)

در آنا کارنینا، طلاق نقش تعیین کننده‌ای دارد. آنا با افسر جوانی به نام ورونسکی درگیر رابطه‌ای نامشروع می‌شود. آگاهی از این رابطه به سرعت گسترده می‌شود و وقتی نمی‌تواند روابطش را با ورونسکی قطع کند، شوهرش، الکسی کارنین، تصمیم به طلاق می‌گیرد. (پولیانسکی، ۲۰۱۹: ۶۹) برای این منظور کارنین به دفتر وکیل مشهور پترزبورگی رفت. (تولستوی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۴۶۲) وکیل به طور مفصل روند طلاق آن زمان را برای او توضیح داد. معقول‌ترین راه انتخاب خیانت و اثبات گناه با رضایت طرفین است. مطمئن‌ترین راه برای طلاق را ارائه می‌دهد: «زن و شوهر باید درباره اینکه کدام یک از آن‌ها در دادگاه به ارتکاب زنا اعتراف می‌کند و شواهد قانع کننده‌ای از زنا خود ارائه می‌دهد، با همسرش درباره چگونگی اعترافشان به زنا توافق می‌کردند.» (تولستوی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۴۶۵) برای کارنین غیرقابل قبول و در عین حال زن خیانت کار را به آغوش معشوقش هل دهد. در نتیجه این ملاقات با وکیل، شوهر فریب خورده شخصیت اصلی به طور کامل، استفاده از ابزار قانونی برای پایان دادن به ازدواجش امتناع کرد. به نظر می‌رسد این خط از زمان، چندین مشکل جدی حقوق خانواده را منعکس می‌کند. به طور طبیعی، کارنین قصد نداشت در ارتکاب زنا به خودش تهمت بزند؛ اما نجابت ابتدایی، او را از توافق با همسرش درباره چگونگی اعترافش به زنا بازداشت. (پولیانسکی، ۲۰۱۹: ۷۰)

از زمان زندگی پازدنیشف تا این لحظه، همان‌طور که او برای راوی ناشناس توضیح داده است، رابطه قبل از ازدواج یکی از موارد پراکنده جنسی بوده است و او آن را حس «حیوانی» در ازدواج می‌داند. «احساسات جدید» و «امکانات جدید» که موسیقی برای او آشکار می‌کند، هر چه هستند، باید چیزی فراتر از میل جنسی را شامل شود. (هالیول، ۲۰۱۰: ۵۸) در گونه‌ای، پازدنیشف حتی به ماهیت فرافکنانه سوءظن به خیانت همسرش پی می‌برد: «من در رابطه حیوانی و غیرانسانی خود با همسرم

## رابطه دین و اخلاق زناشویی مکی... ۱۱۹۱۱۱

مقصر بودم. این گناه خود را در اعماق روحم احساس کردم، اما برای اینکه احساس گناهم را نشانم، من به گناه او نیاز داشتم. (لافریر، ۱۹۹۸: ۱۹۳) پازدنیشف قتل را به گونه‌ای متفاوت توضیح می‌دهد. او خود را قربانی نیروهای اجتماعی فاسد نشان می‌دهد و اقدامات خود را در درجه اول به خاطر آسیب‌پذیری‌اش در برابر آداب و رسوم فاسد طبقه اجتماعی و سپس به دلیل شرارت ذاتی جنسی می‌داند. عشق و در نهایت تأثیر مست‌کننده موسیقی. (گرشکویچ، ۲۰۱۹: ۴۶۲) تولستوی چندین شخصیت تخیلی خلق کرد، اخلاقیات رابطه جنسی را زیر سوال می‌برد. با این حال، فقط پازدنیشف توضیح می‌دهد اینکه چقدر از داشتن رابطه جنسی با همسرش به ویژه در دوران پرستاری احساس انزجار می‌کند یعنی فقط پازدنیشف طرفدار آن است. تلاش می‌کند تا مطابق با یک تابو جنسی پس از زایمان زندگی کند و فقط پازدنیشف در واقع همسرش را می‌کشد. در حالی که «دیوانه» تولستوی فقط در نیمه شب پس از سفر طولانی خود به آرزاماس به مرگ فکر می‌کند، پازدنیشف تولستوی در واقع یک هم‌نوع خود را می‌کشد. (لافریر، ۱۹۹۸: ۵۸)

### ۳-۲-۱) طلاق در زمان آنا کارنینا

عاملی که ازدواج را باطل و بیش از همه ثبات آن را تهدید می‌کند، طلاق است که قرن‌ها در روسیه وجود داشته است؛ اما تنها در نتیجه اصلاحات پس از پتر<sup>۱</sup> شکل قانونی مشخص‌تری پیدا کرده است. دوران غسل تعمید روسیه، هنگامی که کلیسا هنجارهای مقرر، از جمله قوانین مربوط به انحلال روابط زناشویی را در برمی‌گیرد و تمام مسائل مربوط به ازدواج یا انحلال آن به کلیسا سپرده می‌شود. (زالمانی، ۲۰۱۷: ۷۴) در سال ۱۷۶۷ از زمان پتراول، «طلاق‌نامه» به تأیید صریح و ممنوعیت کشیشان از صدور طلاق بودند. مقامات کلیسا تلاش کردند با خاتمه روابط زناشویی مقابله کنند و در سال ۱۸۰۵ تصمیمات طلاق هنوز توسط اسقف‌نشینان بدون تأیید شورا اتخاذ می‌شد و تنها از سال ۱۸۰۵ تأیید این نهاد اجباری می‌شد. (همو، ۷۶) کارنین با پذیرش قوانین نانوشته برای ازدواج، صمیمانه تصمیم می‌گیرد نامه‌ای به همسرش بنویسد تا او را به قطع روابط خارج از ازدواج و ادامه زندگی عادی با همسرش دعوت کند. (همو، ۷۷) «رفتار شما هرچه بوده است، من خود را محق نمی‌شم مارم که پیوندهایی را که قدرت آسمانی میان ما برقرار کرده است فسخ کنم. بنای کانون خانواده از سرهوس یا به خواهش دل یا حتی گناه یکی از همسران، ویران شدنی نیست و زندگی ما باید مثل گذشته ادامه پیدا کند.»

---

1. Peter

## ۱۲۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

(تولستوی، ج ۱، ۱۳۷۸: ۳۶۴) در چنین وضعیتی «بی‌شرمی» آنا خود را نشان می‌دهد: او از مرزهای شرم عبور می‌کند تا اخلاقی جدید مبتنی بر احساسات ایجاد کند؛ بنابراین پیشنهاد شوهرش را رد می‌کند و با همان بی‌باکی، با وجود این که کارنین می‌توانست او را از محکومیت جامعه نجات دهد، با طلاق موافقت نمی‌کند. (زالمبانی، ۲۰۱۷: ۷۸) آنا به خاطر زندگی مشترک خارج از ازدواج، تصمیم به ترک منزل می‌گیرد که پیامدهای اجتماعی بسیار جدی را به دنبال داشت. مشکل طلاق، که به وضوح در آثار تولستوی منعکس شده است، در دوران او موضوعیت دارد و کل جامعه روسیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (همو، ۷۹) در اینجا تولستوی اعتقاد خود را نشان می‌دهد که ما باید به معنای واقعی کلمه دستور مسیح را بپذیریم: «قضاوت نکنید که قضاوت نشوید<sup>۱</sup>». انسان‌ها حق قضاوت و مجازات یکدیگر را ندارند. این کار خداست. «خداوند می‌گوید انتقام از آن من است<sup>۲</sup>» این متن آنا کارنینا بود. «بگذار هر که گناهی ندارد سنگ اول را بیندازد<sup>۳</sup>» همان‌طور که هیئت منصفه می‌گوید: «ما قدیس نیستیم.» بنابراین دادگاه‌های کیفری در ذات خود نهادهای غیر اخلاقی هستند. (اروین، ۲۰۰۲: ۱۰۳)

### ۳-۲-۲) امتناع آنا از طلاق

آنا به روش داستایفسکی، از کارنین به خاطر خوبی‌هایش رنجیده می‌شود. برای آنا، پیشنهاد طلاق با حضانت سرپرست، دقیقاً به این دلیل که از روی بخشش و عشق واقعی انجام شده است و این برتری اخلاقی کارنین را بر او ثابت می‌کند و ناراحت‌کننده‌تر اینکه او را مدیون خوبی‌هایش می‌کند. (مورسون، ۲۰۰۷: ۱۱۵) آنا و ورونسکی وقتی به همسر و جامعه خود دروغ می‌گویند، احساس پشیمانی نمی‌کنند. از اولین برخورد جنسی تا باردارشدن فرزندشان، هر عملشان باید مخفی بماند، در نهایت، معنا و دوست‌داشتنی‌ترین لحظات آن‌ها را از بین می‌برد. گناه آنا از خیانت به همسر و بی‌توجهی به پسرش، چنان اندوه و بدبختی به همراه دارد که در افسردگی عمیق فرومی‌رود و این فکر که مرگ در هنگام زایمان تنها پاسخ درد او خواهد بود. (کاستیلو، ۲۰۰۷: ۳) آنا هنگام زایمان آماده است تا کارنین گنااهش را ببخشد. کارنین پس از مرگ او، از نوزاد (دختر ورونسکی) مراقبت می‌کند. شکست حرفه‌ای کارنین، همراه با از دست دادن سعادت زناشویی تأثیر بدی بر او می‌گذارد. آنا برای رهایی از

۱- لوقا، ۶: ۳۸-۳۷

۲- رومیان ۱۲: ۱۹

۳- یوحنا ۸: ۷



### رابطه دین و اخلاق زناشویی میگی... ۱۲۱۱۱۱

افسردگی، دست به خودکشی می‌زند و خود را زیر قطار می‌اندازد. او می‌خواهد از افراد تو خالی اطرافش فرار کند. (ویجایا، ۲۰۲۰: ۸۳) تولستوی راهی جز مرگ برای آنا پیدا نمی‌کند. او رابطه شاد را فقط در خانواده‌ای می‌بیند که زن و شوهر در همه چیز پشتیبان یکدیگر باشند. (زینوویف، ۲۰۱۲: ۵۱) گناه آنا این است که برای خودش زندگی می‌کند و در خود محصور شده است. (گوستافسون، ۱۹۸۶: ۱۱۹) آنا قبل از تولد دخترش از همسرش به خاطر بی‌احساسی و کینه‌توزی متنفر بود. اکنون برای محبت و سخاوت است. دیدن او باعث دفع می‌شود و نتیجه می‌گیرد، به سادگی نمی‌تواند با او زندگی کند. اما پس از طلاق پسرش را نمی‌پذیرد. او به ورونسکی می‌گوید: «او با همه چیز موافقت کرده است، اما من نمی‌توانم سخاوت او را بپذیرم.» به خاطر اینکه مدیون «سخاوت او» نباشد، حاضر است تا پسرش را پشت سر بگذارد. زیرا تصمیم می‌گیرد که او با پدرش وضعیت بهتری داشته باشد. (مورسون، ۲۰۰۷: ۱۱۶) عامل اصلی که باعث می‌شود آنا از طلاق گرفتن از کارنین بی‌میل باشد، حتی پس از موافقت او، می‌تواند عشق به پسرش باشد. آنا پسرش را رها می‌کند، اما هرگز به خودش اجازه نمی‌دهد که از این تصمیم رنج بکشد. او عشق بی‌پایان خود را به او اعلام و می‌گوید: «من فقط آن دو موجود را دوست دارم و یکی دیگری را طرد می‌کند. (ویجایا، ۲۰۲۰: ۸۰) معاصران او نه به دلیل خیانت، بلکه از این واقعیت که یک زن او را در مقابل جامعه قرار می‌دهد و «روابط نامشروع» را نقض می‌کند، خشمگین هستند و طبق آن ارتکاب زنا، مشروط به این که این کار مخفیانه انجام شود. آنا برخلاف ذهنیت زمانه‌اش، برخلاف آنچه در تاریخ تغییر کندتر حرکت می‌کند. برعکس، یک بانوی نجیب فریفته دلیلی برای غرور است، او در چارچوب رفتار استاندارد رایج در جامعه روسیه و تابع قوانینی است که می‌تواند قوی‌تر از قوانین باشد. به عقیده لاتمن (محقق برجسته ادبی، فرهنگ روسیه)، اشراف و محیط نظامی روسیه توسط قوانینی از هنجارهای اخلاقی بر اساس مفهوم «شرم» و «ترس» تنظیم می‌شود. به گفته وی، جامعه تحت سلطه قوانین، شرافتی است که «ترس از شرم» و نه قانون را برقرار می‌کند. (زالمانی، ۲۰۱۷: ۷۲)

### ۳-۳-۳ تغییرات پس از اصلاحات

تولستوی از ۱۸۷۳ تا ۱۸۷۷ (م) روی رمان خود، کار کرد و متن او با روح اصلاحات دهه ۱۸۶۰ آغشته بود. تغییرات در آداب و رسوم، ازدواج، ارضی، زنان، تحصیل زنان و مشکل فرزندان نامشروع، مسائل علمی، هنری و فلسفه مورد بررسی قرار می‌گیرد. حتی خودکشی نیز منعکس کننده موقعیتی است که

## ۱۲۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و هشتم

مشخصه نسل آن زمان است: روسیه در ۱۸۶۰ تا ۱۸۸۰ (م) در ایدمی واقعی خودکشی غرق شده است، همان طور که مطبوعات نشان می دهند و همچنین بازتاب داستایوفسکی در «دفتر خاطرات یک نویسنده»، «آنا کارنینا»، تصویری از تغییراتی است که پس از لغو رعیت بر جامعه روسیه وارد می شود. پس از آزادی دهقانان، بسیاری از اشراف املاک خود را ترک می کنند، جمعیت شهری افزایش می یابد، تولیدات صنایع دستی گسترش می یابد، حرفه های جدید ظاهر می شود، مسئله زنان مطرح می شود، آموزش در جامعه گسترش می یابد. (زالمانی، ۲۰۱۷: ۸۰) تولستوی با اشاره به میلیون ها کودک رهاسده و بی قرار، ازدواج را شرط تداوم نسل بشر نمی داند و از شما می خواهد که مراقب این کودکان باشید و سپس به فکر به دست آوردن فرزندان خود باشید. ما در اینجا به تناقضاتی در دیدگاه های نویسنده اشاره می کنیم. او از یک سو خواستار تربیت فرزندان در شرایط پرهیز از لذت است و از سوی دیگر می گوید کودکان باید در شرایط مادی مناسب زندگی کنند. (توکارف، ۲۰۱۹: ۱۴۷)

### نتیجه گیری

بر اساس زندگی نامه تولستوی، با دو دیدگاه مواجهیم. دیدگاه اول، ازدواج را شرط تداوم زندگی بشر می داند؛ بنابراین کلیسا آن را مقدس می شمارد. ازدواج و خانواده یکی از ارزش های اصلی است که فرد را از ناهماهنگی، ناامیدی و گناه نجات می دهد و به یافتن معنای زندگی کمک می کند. خانواده توسط تولستوی به عنوان هدف اصلی زندگی افراد تعبیر می شود. عشق به همسر به عنوان احساس احترام به والدین فرزندان درک می شود. در طول سال ها، دیدگاه تولستوی درباره ازدواج به طور چشمگیری تغییر کرده است. این به دلیل تغییر نگرش تولستوی به دین و کلیسا (طبق تعریف او)، انکار کامل مالکیت خصوصی توسط نویسنده، پیچیدگی روابط با همسر و فرزندان است.

تولستوی دیدگاه خود را درباره ازدواج با پیروی از آموزه های دینی مسیحی توضیح می دهد. معنای زندگی را در خانواده می بیند و فرزندان را عامل اصلی عشق به همسر می داند که در رمان «سعادت زناشویی» منعکس گردیده است. این واقعیت که هدف اصلی یک مسیحی خدمت به خداست، انگیزه انکار ازدواج را به روش مسیحی ایجاد می کند. ازدواج باعث می شود مردم به خودشان خدمت کنند. در اواخر عمرش ازدواج را انکار می کند و آن را پوشش نوعی زنا می داند. با این حال، وی طلاق را محکوم می کند؛ چون شرایط را برای اعمال غیر اخلاقی دیگر فراهم می کند و روابط جنسی غیر

## رابطه دین و اخلاق زناشویی میگی... ۱۲۳\

زناشویی را رد می‌کند. در آناکارینا، «زندگی خصوصی آنا» خیانت جنسی با ورونسکی تبدیل به کم‌دی تراژدی از رفتارهای عجیب و غریب (مثلاً پرهیز کامل از روابط جنسی با همسرش) و مشاجرات وحشتناک شده است و این اختلافات زناشویی که برگرفته از عقاید ضدونقیض او می‌باشد. تولستوی زندگی زناشویی خود را در رمان آناکارینا با سه ازدواج نشان داده است. ازدواجش تا حدودی مثل «کارنین همسر آنا» است؛ با این تفاوت که ازدواج را یک وظیفه نمی‌داند. کارنین در شرایطی رسمی و خشک زندگی می‌کند، آن را با کار در وزارتخانه توجیه می‌کند و برای «آنا»، عشق برابر با آزادی بود، معنای زندگی خود را در عشق «به معشوقش ورونسکی» دید و اما لوین باید آن را متفاوت در حوزه‌های فلسفه و در نهایت در دین توجیه می‌کند. بنابراین فقط دو شخصیت دالی و کیتی (این دو خواهر) توجیه وجودی را در ازدواج پیدا می‌کنند. بنابراین، وقتی عشق واقعی در ازدواج وجود نداشته باشد و تصویر خدا در آن منعکس نشود، انزجار جسمی و متعاقب آن متلاشی شدن خانواده به وجود می‌آید.

تولستوی بعد از بحران معنوی، ایده آل وحشتناک‌تری را در «سونات کریتسر» مطرح می‌کند: باید از رابطه با زنان چشم‌پوشی کرد؛ زیرا این زن‌ها هستند که عمداً از بدن و سوسه‌انگیز خود برای بردگی مردان سوءاستفاده می‌کنند. دیدگاهش زن‌ستیزانه بود. ظاهر جذاب، را به عنوان راهبردی عمدی برای تثبیت قدرتش (زنان) بر مردان تلقی کرد: «زنان، مانند یهودیان، بهای بندگی را می‌پردازند که با بردگی مردان کاهش یافته است. هدف اصلی «سونات کریتسر» آن‌قدر حمله به جنبه‌های جنسی... مطرح نیست، بلکه میل شدید برای رهایی خود از هرگونه پیوند با یک زن است.

### کتابشناسی

استیلو، کلی. (۲۰۰۷). «شور و ازدواج در آناکارینا»، انتشارات دانشگاه لینچبورگ، (ص ۱۰-۱)

## ۱۲۴ // دوفصلنامه مطالعات تمدنی/سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

اسمیت، الکساندرا. (۲۰۱۸). «سونات کریتسر، اخلاق و موسیقی جنسی»، **تولستوی و معنویت، سیکوواکی**، پردراگ، انتشارات مطالعات آکادمیک، (ص ۱۰۹-۱۲۷).

اوروین، دونا تاسینگ. (۲۰۰۸). **همراهی کمبریج با تولستوی**، انتشارات دانشگاه کمبریج.

بات، الکساندر. (۲۰۰۹). **خدا و انسان به روایت تولستوی**، انتشارات پالگریو مک میلان.

براهویی، محمدحسین؛ شیخ، محمد. (۱۳۹۵). «**بررسی تاثیر اندیشه ها و افکار لئون تولستوی بر**

**میخائیل نعیمه**» تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره دوم - شماره ۲ (ص ۱۴۸ تا ۱۵۹)

بورووا، سوتلانا. (۲۰۱۰). **جامعه‌شناسی ازدواج و خانواده: تاریخ، مبانی نظری، شخصیت‌ها،**

دانشگاه دولتی بلاروس - مینسک: حقوق و اقتصاد (مجموعه علوم انسانی).

بوش، ریچارد کلارنس؛ دالرهاید، کنت؛ بیتس، کایل؛ استد، رابرت بام؛ نانچی، عظیم؛ کانورث، هیلا

(۱۳۸۴). **جهان مذهبی: ادیان در جهان امروز**، ترجمه: عبد الرحیم گواهی. ویراستاری رابرت ویر.

تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پتمن، دومینیک. (۲۰۱۳). «**حیوان تولستوی: حیوانیت و خصومت در سونات کریتسر**»، مجله علوم-

انسانی، (ص ۱۲۱-۱۳۸). doi: 10.1080/0969725X.2013.783446.

پولیانسکی، پاول لویج. (۲۰۱۹). **قهرمانان لئو تولستوی و ابزار قانونی حل مشکلات زناشویی در**

**قرن ۱۹ در روسیه**، مجله دانشگاه منطقه ای ایالتی مسکو. صفحات ۶۸-۷۸.

توکارف، گریگوری والرئیوچ. (۲۰۱۹). «**دیدگاه‌های ل. ن. تولستوی درباره ازدواج**»، مجله

دانشگاه ایالتی کوستروما (ص ۱۴۵-۱۴۷).

تولستوی، لئو. (۱۳۷۸). **آنا کارنینا**، حبیبی، سروش، ج اول، تهران، انتشارات نیلوفر.

تولستوی، لئو. (۱۳۸۵). **جنگ و صلح**؛ حبیبی، سروش، جلد ۲، تهران، انتشارات نیلوفر.

تولستوی، لئو. (۱۳۸۵). **جنگ و صلح**؛ حبیبی، سروش، جلد ۳، تهران، انتشارات نیلوفر.

تولستوی، لئو. (۱۳۹۳). **اعتراف**، ترجمه آبتین گلکار، چاپ اول، نشر گمان، تهران.

تولستوی، لئو. (۱۳۹۳). **جنگ و صلح**؛ انصاری کاظم، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.

توحیدی، محمدضیاء. (۱۳۹۳). «**ازدواج Marriage**»

[http://pajoohe.ir/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC--marriage\\_\\_a-39360.aspx#\\_ftn12](http://pajoohe.ir/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC--marriage__a-39360.aspx#_ftn12)

جو کوفسکایا، آنا. (۲۰۱۷). **قانون زندگی: قراردادهای طلاق در روسیه مدرن اولیه**، کریتیکا:

کاوش در تاریخ روسیه و اوراسیا ۱۸، ۴، (ص ۶۶۱-۶۸۳)

رابطه دین و اخلاق زناشویی میگی... ۱۲۵۱۱۱

جونز، دیوید دبلیو؛ کاستنبرگ، آندریاس. جی. (۲۰۰۴). **خدا، ازدواج و خانواده: بازسازی بنیاد کتاب مقدس**، ویتون، انتشارات کراس وی.

دویگا، آر. (۲۰۱۸). **«ازدواج و زنا در آناکارینا تولستوی»**. مجله بین‌المللی تحقیقات پیشرفته، ایده‌ها و نوآوری‌ها در فناوری، (ص ۹۲۹-۹۳۱).

رحیمی ثابت، فاطمه؛ مفتاح، احمدرضا. (۱۳۹۷). **«چگونگی تحول مفهوم ازدواج در کلیسای کاتولیک و چالش‌های پیش رو»**. معرفت ادیان، سال نهم. شماره دوم. پیاپی ۳۴. بهار. (ص ۱۱۰-۹۳)

زالمبانی، ماریا. (۲۰۱۷). **«نهاد ازدواج در خلاقیت لئو تولستوی - «خوشبختی خانوادگی»»**، «آنا-کارینا» و «سونات کریتسر»، مسکو، انتشارات دانشگاه دولتی روسیه برای علوم انسانی.

زینوویف، الکسی ویکتوریچ. (۲۰۱۲). **«تصویر خانه و اندیشه خانوادگی» در آثار ل. ن. تولستوی**، مسکو، انتشارات دانشگاه ساراتوف. (ص ۴۹-۵۲).

سوخوف، آندری دمتریویچ. (۲۰۰۱). ال. ان. تولستوی و دین. **مجله علمی و نظری فلسفه و جامعه**، مسکو، (ص ۱۱۵-۱۲۹).

سینتسینا، یو، پ. (۲۰۱۰). **تصویر «دین‌ناب» در آثار ال. ان. تولستوی در نمونه نگرش به مسیحیت و بودیسم**، نظام ارزشی جامعه مدرن، (ص ۱۱۱-۱۱۵).

صفائی، حسین و امامی، اسدالله. (۱۳۸۴). **مختصر حقوق خانواده**؛ چاپ هشتم، تهران، نشر میزان. علی‌زمانی، امیرعباس، مهدی زنجانیان، آرزو. (۱۳۹۶). **معنای معنا در چهار دوره زندگی تولستوی**، نقد و نظر، دوره ۲۲، شماره ۸۷ (ص ۳۴-۶۲)

فارسیان، محمد رضا و دریا، مریم. (۱۳۹۲). **«تأثیر تولستوی در تجلی «عشق» در رمان ژان-کریستف»**، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، (ص ۱۴۱-۱۶۰)

**کتاب مقدس**. (۱۳۸۰). ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، چاپ اول، انتشارات اساطیر. گاچوا، آناستازیا جورجیونا. (۲۰۱۱). **لئو تولستوی و فدوروف: اختلاف نظر درباره معنا و هدف مسیحیت**، مجله ادبی. (ص ۱۲۲-۹۰)

گرشکویچ، تاتیانا. (۲۰۱۹). **«سوعظن در دادگاه: سونات کرویتسر تولستوی و آدرس پازدینشف ناباکوف»**، انتشارات انجمن زبان مدرن آمریکا. (ص ۴۵۹-۴۷۴)

گوستافسون، ریچارد، اف. (۱۹۸۶). **لئو تولستوی: مقیم و غربیه**، انتشارات دانشگاه پرینستون.

## ۱۱۲۶ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

مورسون، گری ساول. (۲۰۰۷). **آناکارنینا در زمان ما: بادی دیدی خردمندانه تر**، انتشارات دانشگاه ییل، نیویورک و لندن.

مولند، اینار. (۱۳۸۱). **جهان مسیحیت**، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری. چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

میرونوف، بوریس نیکولایویچ. (۲۰۰۳). **تاریخ اجتماعی روسیه در دوره امپراتوری (۱۸ تا اوایل قرن ۲۰): ظهور شخصیت، دموکراسی. خانواده، جامعه مدنی و حاکمیت قانون**، جلد ۲ - سن پترزبورگ.

مینا، کیم. (۲۰۱۲). **ازدواج و خانواده با او روزانوا و دی. مرژکوفسکی** (دو تفسیر از «سونات کروتر» و «آنا کارنینا» ال. تولستوی)، مجله، بولتن نقد ادبی زبانی. فرهنگ شناسی. (ص ۱۲۴-۱۳۴).  
میرانی، ارسطو. (۱۳۹۰). **«جان میلتن و اخلاق زناشویی مسیحی»**. دوفصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهش نامه ادیان. سال پنجم. شماره دهم. پاییز و زمستان. (ص ۱۷۵-۱۵۱)

نصراصفهانی، محمدرضا؛ فاطمی، مرضیه السادات. (۱۴۰۰). **«گره افکنی و بحران سازی در عناصر روایت رمان آناکارنینا»** فنون ادبی، - شماره ۳۴ (ص ۱۱۷ تا ۱۲۸)

ویجایا، وینا. (۲۰۲۰). **مخمصه زن در مادام بواری و آناکارنینا**، مجله بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (IJHCS)، جلد ۷، شماره ۳. (ص ۷۰-۸۷).

هالیول، استفان. (۲۰۱۰). **«تأملاتی درباره تولستوی و موسیقی»**، انتشارات دانشگاه سنت اندروز (موسیقی و احساسات)، (ص ۴۵-۶۴).

یاحسینی موسوی، فاطمه؛ موسوی سیرجانی، سهیلا؛ لطفی عظیمی، افسانه. (۱۴۰۰). **«معنای زندگی در آثار لئو تولستوی و معنادرمانی ویکتور فرانکل»**، جستار نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۱۶، (ص ۲۱۲-۲۴۵).

یحیی پور، مرضیه. (۱۳۷۹). **«نگاهی به تحول جهان بینی نیکلایویچ تولستوی (بر اساس رمان - آناکارنینا)»**. مدرس. دوره چهارم. شماره سه. پاییز ۱۳۷۹ (ص ۲۶-۱۷)

آنتونیاچی، آلیاندرا. (۲۰۱۵). **بحران خانواده روسی در آثار داستایوفسکی، تولستوی و چخوف**،

دانشگاه کانتربری.

رابطه دین و اخلاق زناشویی میگی... ۱۲۷\

میلر پیفوست جونیور، فرانسیس. (۲۰۰۵). «بدبینی، دین و فرد در تاریخ: معنای زندگی از نظر لئو

تولستوی و امیل زولا»، دانشگاه ایالتی فلوریدا.

<https://diginole. ib.fsu.edu/islandora/object/fsu:176431/datastream/PDF/view>